روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۲-۸۸۶۵۴۳۹۱ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰ نمابر: ۸۸۸۴۱۲۷۹
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharghnewspaper.ir

تهران: اذان ظهر ۱۲:۱۲ اذان مغرب ۱۷:۳۱ اذان صبح فردا ۵:۴۵ طلوع آفتاب ۷:۱۴

روزنامه شرق

پنجشنبه ۲۲ دی ۱۳۹۰ • ۱۸ صفر ۱۴۳۳ • ۱۲ ژانویه ۲۰۱۲ • سال نهم • شماره پیاپی ۱۴۴۱ • شماره ۵۱۷ دوره جدید • ۱۲صفحه+ ۳۲ صفحه ضمیمه

فیلم آلمودوار پیشتاز نامزدهای جوایز اسکار اسپانیا

شرق: «پوستی که در آن زندگی می‌کنم» به کارگردانی پدرو آلمودوار نامزد ۱۶ جایزه از بیست و ششمین دوره جوایز گویا در اسپانیاست. نامزدی «پوستی که در آن زندگی می‌کنم» در ۱۶ بخش به معنای پایان روابط سرد آلمودوار و آکادمی فیلم اسپانیاست. آلمودوار سال‌ها پیش به دلیل بی‌نظمی و به علت اینکه به دفعات از سوی آکادمی نادیده گرفته شده بود، از آن جدا شد، اما از پارسال مجددا عضو این آکادمی شد. آکادمی فیلم اسپانیا روز سه‌شنبه اسامی نامزدهای این دوره جوایز گویا را اعلام کرد که به آن معادل اسپانیایی اسکار می‌گویند.

پاتوق

به یاد «علی خوشامن»، دوست خوبی که میزبان خوبی هم بود

چراغِ روشنِ «گل رضاییه»

رضا خاکی‌نژاد

■ روزگار غریبی است. دیرسالی است با مرگِ زودهنگام، رفاقتی به هم زده‌ایم که مگو و مپرس. به سراغ دوست می‌روی، می‌گویند: «خستگی نابهنگام، به سفر فرستاده‌اش!» سراغ از آشنا می‌گیری، می‌گویند: «هیهات که چه زود، دیر شد!» این‌گونه است که مرگ نابهنگام، سایه بلندش را به هیچ قیمتی- حتی مرگ- از سرمان کم نمی‌کند! «علی خوشامن» هم از آن دست آدم‌هایی بود که بی‌مقدمه و بدون این پا و آن پا کردن، نابهنگام رخت سفر بست و رفت.

سال‌ها چراغ «گل رضاییه» از وجودش روشنایی می‌گرفت. عشقِ سرپا نگه‌داشتن رستورانی را داشت که از چند دهه پیش، در یکی از نوستالژیک‌ترین محلات تهران قدیم –خیابان ۳۰ تیر، قوام‌السلطنه سابق- پذیرای دوستان و مشتریان همیشگی‌اش بود. در فضایی متفاوت، باب طبع و سلیقه اهل قلم و هنرمندان. بهار سال پیش به او گفتم داستانی نوشته‌ام در حال و هوای «گل رضاییه» که اگر رخصت بدهند، در مجموعه‌ای چاپش می‌کنم. سری تکان داد و خندید که «خوبه...» همین!

یک سالی بیشتر به دراز کشید تا «آن‌جا، پایین پله‌ها» با حذف یک داستان، مجوز گرفت و چاپ شد. به روال همیشه و این‌بار با کتاب و داستان چاپ شده «بُرش توی کاسه چینی گل سرخ» درحالی‌که از آخرین دیدارمان چندان نگذشته بود، راهی «گل رضاییه» شدیم تا مثلا غافلگیرش کرده باشیم. غافل از اینکه علی آقا، بی‌رحمانه غافلگیرمان خواهد کرد. به محض ورود، پی او چشم گرداندیم. عکسش را که روی دیوار دیدیم، یکه خوردیم. پرس‌وجو کردیم. گفتند علی آقا به سفر رفته است! لقمه مان خاردار شد. بیشتر، غصه خوردیم تا غذا. حال‌مان بدجوری گرفته شد. «علی خوشامن» حالا دیگر نیست و بی‌گمان، نبودش برای بسیاری، مایه دلتنگی است. با این همه، چراغ رستورانش هنوز روشن است. به همت خواهرزاده‌اش، شروین، که عزمش را جزم کرده است تا یادگار علی آقا را آن‌گونه که خود می‌خواست و مایل بود، حفظ کند. جوان نازنینی که حالا خوشامدگوی مشتریان دایمی رستوران «گل رضاییه» و دوستان قدیمی علی آقاست. چراغ «گل رضاییه» روشن مانده است تا یادمان نرود، زورِ مرگ، حتی از نوع نابهنگامش، به خیلی آدم‌ها و خیلی چیزها نمی‌چربد. یادش گرامی.

مطالعات فرهنگی

مردم دریاکنار و مردم دروازه غار

نعمت‌الله فاضلی

■ رامسر در حاشیه دریا ساخته شده است و یکی از شهرهایی است که در نتیجه گسترش طبقه متوسط ایرانی توسعه یافته است. بعد از رامسر به بندر انزلی و تالاب آن رفتیم. این تالاب که گفته می‌شود بزرگ‌ترین تالاب زیبای جهان است، بسیار دیدنی می‌باشد. در سال‌های اخیر مجموعه وسیعی از امکانات توریستی و خدمات برای گردشگران در این بندر فراهم کرده‌اند. بسیاری از فیلم‌های جنگی مربوط به جنگ ایران و عراق در این تالاب ساخته شده است. سفر ما کم‌کم به مقصد نهایی یعنی بابلسر نزدیک شد. دریاکنار در سال‌های دهه۵۰ به عنوان شهرک درباری و اعیان‌نشین ساخته شد؛ این شهرک، مجموعه‌ای از حدود ۱۳۰۰ ویلا با معماری مدرن و لوکس است که روزگاری نماد اشرافیت نوگرای ایران بود. روزگاری این شهرک نماد نابرابری‌های اقتصادی در ایران بود و اصطلاح «مردم دریاکنار و مردم دروازه غار» برای بیان این نابرابری بر سر زبان‌ها بود. اما امروزه این شهرک ساحلی عمدتا به طبقه متوسط شهری جدید ایران تعلق دارد. بسیاری از ویلاهای آن خالی از سکنه است. مالکان آنها اغلب یا در خارج از ایران به سر می‌برند یا تهرانی‌هایی هستند که تنها مواقع تعطیلات از ویلاهایشان استفاده می‌کنند. در مسیری که از شهرهای مختلف استان مازندران عبور می‌کردیم، می‌دیدیم که اغلب روستاهای کوچک سابق به شهرک و شهرهای جدید تبدیل شده‌اند.

برداشت آخر

جلسه دادگاه برگزار شد

جلوگیری موقت از انحلال «خانه سینما» بی‌نتیجه ماند

گیسو فغفوری

چند دقیقه مانده به ۱۰ صبح، مجتمع قضایی شهید صدر، میرعماد، باید موبایل‌ها را تحویل داد، شعبه ۳۷ طبقه دوم است. هنوز کسی نیامده است. وزارت ارشاد اعلام کرده است شکایت خود را پیگیری نمی‌کند. یعنی ماجرا تمام شده است؟ مراجعان در طبقات دیگر روی صندلی‌ها نشسته‌اند. جمال خندان کوچکی - وکیل خانه سینما - می‌رسد با زونکنی سبز در دست و به طرف شعبه می‌رود. اتاقی کوچک است در انتهای راهرو. منتظر می‌ماند. از او درباره جلسه فوق‌العاده چهارساعته دیوان عدالت اداری می‌پرسم، امیدوار است و از این حرکت وزارت ارشاد در برخورد با یک نهاد صنفی تعجب‌زده است. کمی بعدتر اعلام می‌شود که پیش رییس دادگاه بروند، فرهاد توحیدی دیرتر می‌آید؛ او به عنوان رییس هیات‌مدیره «خانه سینما» این روزها نه در این مکان صنفی بلکه در راهروهای دادگاه مختلف بالا و پایین می‌رود. سریع داخل می‌رود و در بسته می‌شود. از مسوولان وزارت ارشاد خبری نیست. هیات‌مدیره به احترام خواسته آنها در هفته گذشته خانه سینما را بسته‌اند و خبر می‌رسد در روز سه‌شنبه «شکایت خود را پس گرفته‌اند و دلیلی برای ادامه اقامه دعوا نمی‌بینند. البته توضیحاتی به قاضی ارایه داده بودند.» توحیدی و خندان حدود ۴۵ دقیقه پیش قاضی می‌مانند. رفتن به دادگاه سینماگران آن هم برای کار سینمایی حس خوبی ندارد. ۴۵ دقیقه بعد فرهاد توحیدی و رضا خندان از مجتمع بیرون می‌آیند. جای ایستادن نیست، پیاده می‌رویم. رییس هیات‌مدیره «خانه سینما» می‌گوید: «یک سری توضیحات درباره خانه سینما و مسایل پیش‌آمده داده‌ایم. حالا با وجود پس گرفتن شکایت باید منتظر رای دیوان باشیم.» وکیل خانه سینما هم می‌گوید: «به نظر می‌رسد وزارت ارشاد با توجه به اینکه کار بزرگ‌تری از آنچه خواسته‌اش بوده، انجام داده از طرح این شکایت صرف نظر کرده است. آنان درخواست بازگشت به اساسنامه سال ۸۳ را داشتند که به نظر نمی‌آید در صورت اجرایی شدن آن باز هم در ترکیب افراد هیات‌مدیره تغییر زیادی پیش می‌آمد.» فرهاد توحیدی هم تاکید می‌کند: «موضوع همان طور است که عنوان شده، طبق قانون آنها نمی‌توانستند اقدام به انحلال کنند. این بحثی است که ما در این جلسه و در دیوان مطرح کردیم. اما وزارت ارشاد این انحلال را در حیطه وظایف خود می‌داند و به نکته‌ای که در سال ۷۲ تصویب شده، اشاره دارد اما آن آیین‌نامه بعد از ثبت و تشکیل خانه سینما تصویب شده است.» توحیدی و خندان تاکید می‌کنند: «حالا فقط می‌ماند شکایت ما از وزارت ارشاد به دیوان عدالت اداری که باید منتظر نتیجه و نظرشان بود. از نظر حقوقی اوضاع به نفع ماست» در این زمینه رییس دیوان عدالت اداری با بیان اینکه شکایت خانه سینما از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به یکی از شعب این دیوان ارجاع شده، به «ایسنا» گفت: «درخواست صدور دستور موقت برای جلوگیری از انحلال خانه سینما قبل از رسیدگی به پرونده از سوی شعبه مربوطه پذیرفته نشده است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اقدامی خانه سینما را منحل کرده است و خانه سینما به همین دلیل به دیوان عدالت اداری شکایت کرده است. این شکایت به شعبه‌ای در دیوان ارجاع شده و در حال تبادل لایحه و رسیدگی است تا معلوم شود آیا وزارت ارشاد می‌توانسته چنین اقدامی را انجام دهد یا خیر.»

وی با بیان اینکه هنوز به این پرونده رسیدگی ماهوی نشده است، گفت: «خانه سینما درخواست دستور موقت برای جلوگیری از انحلال این نهاد را به شعبه داده، ولی شعبه این درخواست را نپذیرفته است. رسیدگی به این پرونده نیاز به زمان دارد، بعد از تبادل لوایح به پرونده رسیدگی شده و ان‌شاءالله نتیجه آن اعلام خواهد شد.»

توضیحی که برداشته شد

جالب‌تر اینکه روابط عمومی معاون سینمایی وزارت ارشاد با انتشار توضیحی در عین اینکه اعلام کرد «باز پس گرفتن شکایت از خانه سینما» موضوع جدیدی نیست، تاکید کرد که «این معاونت از ابتدا هم قایل به طرح شکایت قضایی علیه خانه سینما نبوده است.»

در توضیحی که روابط عمومی معاونت سینمایی برای خبرگزاری‌ها ارسال کرده، آمده است: «نظر معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ابتدا نیز طرح شکایت از خانه سینما نبوده است بلکه قایل بر این موضوع بوده که سازوکارهای قانونی در درون خود وزارت ارشاد برای پیگیری تخلفات و انحلال احتمالی خانه سینما وجود دارد.» این توضیح می‌افزاید: «همچنین وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در مصاحبه‌هایی این موضوع را صراحتا اعلام کرده‌اند و از طرفی پیشنهاد کمیته تخصصی شورای‌عالی سینما نیز همین مطلب بوده است و باز پس گرفتن شکایت از خانه سینما موضوع جدیدی نیست»

البته خیلی زود این خبر از روی خبرگزاری‌های ایلنا، مهر و ایسنا برداشته شد و اکنون پس از جست‌وجو در اینترنت و خواندن جمله اول این نامه در سایت‌ها با این عبارت روبه‌رو می‌شویم: «خبر درخواست شده در بانک اطلاعاتی موجود نیست.»

دیدار با مجلسی‌ها

با این حال جای امیدواری برای بازگشت و لغو انحلال خانه سینما وجود دارد. احمد توکلی، رییس مرکز پژوهش‌های مجلس بار دیگر درباره اثرات منفی این انحلال سخن گفته است و هیات‌مدیره خانه سینما به همراه تعدادی دیگر از سینماگران ظهر دیروز با لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی دیداری داشتند. توحیدی همچنین می‌گوید: «قرار شده است دیدار بین هیات‌مدیره و مسوول وزارت ارشاد به دعوت کمیسیون فرهنگی مجلس انجام شود که امیدوارم به زودی این اتفاق بیفتد. خوشحالیم که در این روزها نمایندگان مجلس نسبت به این مساله واکنش نشان داده‌اند.» ایرنا خبر داده است به احتمال زیاد این جلسه با حضور دو طرف روز یکشنبه تشکیل می‌شود.

حمایت خانه موسیقی و تئاتر از خانه سینما

پس از ارسال نامه انحلال خانه سینما از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مسایل پیش‌آمده بین مسوولان دولتی و سینماگران، خانه موسیقی و خانه تئاتر در حمایت از این تشکل صنفی دو بیانیه جداگانه نیز صادر کردند.

در قسمتی از بیانیه خانه موسیقی آمده است: «نگران شأن و جایگاه حقوقی هنرمندان و مهم‌تر از آن کیان فرهنگ و هنر ملی است و موکدا خواستار حفظ حرمت و حیثیت افراد حقیقی و حقوقی از سوی طرفین ماجراست.»

بیانیه خانه تئاتر: در شهر ما قفل بر خانه می‌زنند

صنوف ۱۴گانه خانه تئاتر نیز در بیانیه‌ای به توصیف ویژگی‌های خانه سینما و تاثیر و حضورش در عرصه سینمای ایران پرداخته و چنین مطرح کردند: «در شهر ما قفل بر در خانه‌ای بستند. خانه سینما، خانه روشنگرانی که بر تیرگی‌ها پرتو می‌افکند.»

تحلیل «فارس»

تحلیلی که «فارس» از ماجرای پس گرفتن شکایت داده است، نشان می‌دهد انگار همه چیز برسر بیانیه چهار صنف مهم خانه سینما درباره عدم حضور در جشنواره بوده و تاکید شده است: «خیلی‌ها فکر می‌کنند وزارت ارشاد، خانه سینما را به طور کل منحل کرده است، در صورتی که این طور نیست و تنها حرف وزارت ارشاد اصلاح اساسنامه و جلوگیری از فعالیت خودمختار و سیاسی روسای خانه سینماست. همه متفق‌القولند که دولت نمی‌تواند صنف تشکیل دهد، خود دولت هم همین نظر را دارد و قصد ندارد صنوف را زیرمجموعه خود دربیاورد و یک صنف دولتی تشکیل دهد. صنوف باید مستقل عمل کنند اما این استقلال به معنای فعالیت خودمختار و عدم تمکین از قانون نیست.» و این خبرگزاری که این روزها خبر حمایت هشت صنف جدید و ۲۳ خبرگزاری و سایت از انحلال خانه سینما را منتشر کرده است: «در نهایت خواستار تشکیل کمیته‌ای برای ساماندهی امور صنوف شده تا خللی در فعالیت اصناف ایجاد نشود.» به هرحال باید منتظر ماند و دید که دیوان عدالت اداری در زمینه شکایت خانه سینما از وزارت ارشاد چه نظری را اعلام می‌کند.

انجمن بازیگران: به کارهای صنفی ادامه می‌دهیم

این روزها دسترسی به سایت خانه سینما امکان‌پذیر نیست. در صفحه اول مطلبی قرار ندارد و به حالت done درآمده است. هیات‌مدیره خانه سینما نیز این روزها به خانه سینما نمی‌روند و در این نهاد صنفی بسته است اما همان طور که وکیل خانه سینما تاکید دارد: «این مکان هنوز منحل نشده است و باید منتظر رای دیوان درخصوص این شکایت بود.» یک روز پس از حمایت صنفی موسوم به «انجمن بازیگران سینما و تلویزیون»، که در نامه‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از اقدام این وزارتخانه در انحلال خانه سینما حمایت کرده بود، شورای مرکزی انجمن بازیگران سینمای ایران با صدور اطلاعیه‌ای بر ادامه ارایه خدمات خود تاکید و اعلام کرد: «کماکان به ارایه خدمات صنفی به اعضای خود ادامه داده تا خللی در روند خدمت‌رسانی به بازیگران کشورمان وارد نشود. در همین راستا تمامی اعضای انجمن بازیگران سینمای ایران می‌توانند جهت پیگیری امور جاری و معوقه خود با هریک از اعضای شورای مرکزی تماس حاصل کنند.»

کارتون‌خواب

کیوان زرگری
cartoononline.persianblog.ir

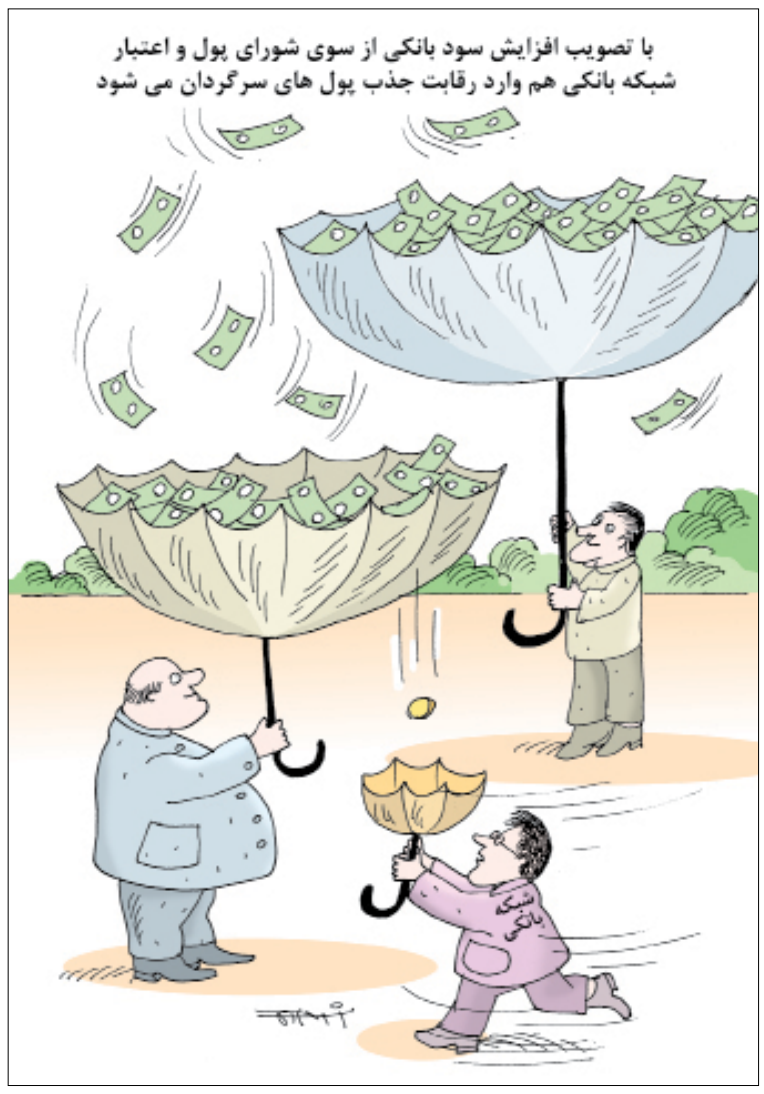

کافه پیشنهاد

نقاب دیمیتریوس آزاد، موسیقی عربی ممنوع

عسل عباسیان

به کافه پیشنهاد این هفته خوش آمدید. سال نو میلادی هم بر کافه‌نشین‌های مسیحی و ارمنی مبارک. همین اول باید به شما یادآوری کنم که این هفته خبری از فیلم نیست و تنها باید به تئاتر و موسیقی و کتاب دلخوش باشید.

گلاب آدینه، همان بازیگری است که نامش یادآور شخصیت اصیل زن ایرانی است. او با هنرنمایی‌اش در فیلم‌هایی نظیر «میهمان مامان» داریوش مهرجویی، «روسری آبی» رخشان بنی اعتماد یا همین اواخر در نمایش «خرده خانم» کیومرث پوراحمد توانسته به‌خوبی در ذهن ما ماندگار شود. خانم بازیگر طرفدار پروپاقرص تئاتر است و اگر تئاتربین باشید، محال است که او را در سالن‌های تئاتر درحالی‌که به همراه دخترش «نورا هاشمی» برای تماشای تئاتر آمده، ندیده باشید. این هفته خانم آدینه به تماشای تئاتر «ابرها» در تالار مولوی رفته و حالا افسوس می‌خورد که چرا این نمایش را زودتر از اینها ندیده است. گلاب آدینه درباره این اثر می‌گوید: «اجرای بسیار خوبی بود. طراحی، فکر و البته شیوه اجرایی بسیار دیدنی‌ای داشت. بازی‌ها، طراحی صحنه، لباس و نورپردازی همگی خوب بودند.» اما این تئاتر که تمام شده خانم آدینه پیشنهادش را به یک جمله بسنده می‌کند که: «تا می‌توانید اجراهای روی صحنه را ببینید. گمان نمی‌کنم ضرری در این کار باشد.»

و حالا با محمدحسن شهسواری هستیم و پیشنهاد کتاب.

نویسنده‌ای که این روزها بازار «کارگاه داستان و رمان»اش گرم است. شهسواری را با رمان «پاگرد» که نشر افق منتشر کرده، می‌شناسیم و همین‌طور رمان «شب ممکن» که تحول تازه‌ای در شیوه روایی داستان‌های ایرانی بوده. حالا آقای نویسنده که اتفاقا وبلاگ هم می‌نویسد (و توصیه می‌کنم بعد از خواندن این سطرها سری هم به وبلاگش به آدرس: www.blog.khabgard.com/backwin بزنید)، برای‌شما دو کتاب پیشنهادی دارد. اولین پیشنهاد او برای ما کتابی در حوزه روان‌شناسی زنان است. حالا چرا روان‌شناسی زنان؟ چون به گفته خود نویسنده، او این روزها در حال نوشتن رمانی است که در آن به تقابل «آنیما» و«آنیموس» می‌پردازد و برای این داستان، مشغول مطالعه کتاب‌هایی در این حوزه است که یکی از بهترین‌هایش را با عنوان «روان‌شناسی زنان» به شما پیشنهاد می‌کنند. این کتاب را «جانت شیبلی هاید» نوشته و اکرم خمسه هم مترجم و نشر آگاه ناشر آن است. محمدحسن شهسواری که خودش در دانشگاه «روش تحقیق» خوانده این کتاب را به لحاظ تحقیقی و نوع نگارش یک متن علمی بسیار خوب و قابل توجه تلقی می‌کند اما آن را کتابی می‌داند که خواندنش شگفت‌زده‌مان نمی‌کند، اما دارای اطلاعات بسیار خوبی برای ماست.

کتاب بعدی پیشنهادی آقای شهسواری یک کتاب پلیسی است. از آن داستان‌هایی که معمولا خیلی خوب ترجمه نمی‌شوند، اما چون نام «شهریار وقفی‌پور» روی آن حک شده، به قول آقای شهسواری با خیال راحت می‌توانید سراغش بروید و بدانید که با یک ترجمه خوب مواجهید. این کتاب را نشر هرمس منتشر کرده و البته «ریک امبلر» آن را نوشته. راستی یادم رفت نام کتاب هم هست «نقاب دیمیتریوس» که ژانرش از آن ژانرهای مورد پسند محمدحسن شهسواری است.

اما مانی رهنما، که این اواخر با آلبوم موسیقی «کجا به خنده می‌رسیم؟» ما را میهمان ضیافت صدایش کرده، برای آن دسته از افرادی که می‌خواهند با شنیدن موسیقی یک حس رویایی را تجربه کنند و تمدد روانی داشته باشند، موسیقی‌های جاز را توصیه می‌کند. مخصوصا جازهای خیلی لایت و ملایمی را نظیر آثار مایکل بوبله، دیانا کلرول و... که از نظر آقای موزیسین بسیار آرامش‌بخش هستند

این موزیسین، موسیقی‌های کلاسیک را «عمیق» و دارای یک «فکر سیال» تلقی می‌کند و در این بین آثار موسیقی شوپن، شومان و بتهوون را به دلیل رنگ‌آمیزی‌شان و تصاویری که در ذهن ما می‌سازند پیشنهادمی‌کند.

رهنما در آخر یادآوری می‌کند که «ترانه» بخش بسیار مهم موسیقی پاپ است و ریتم و ملودی موزیکال را مشخصه یک پاپ خوب می‌داند و پیشنهاد می‌کند که تا می‌توانید از موسیقی پاپ کشورهای عرب و ترک فاصله بگیرید، چرا که آنها اغلب به جای داشتن یک ریتم موزیکال با گام‌های موسیقایی درست، از ریتم‌های روضه‌ای و نوحه‌ای استفاده می‌کنند و این می‌تواند به مرور روی موزیسین‌های ما هم تاثیر بگذارد. پس تا اطلاع ثانوی شنیدن موسیقی پاپ عربی و ترک ممنوع!

سفرنامه آبراهام

این بار جستی مثقالک!

پیمان مقدم

■ **«ابراهیم رودریگز» ملقب به «آبراهام» تبعه ونزوئلاست! که والدین ایرانی! داشته. او سال‌ها زیر سایه تبلیغات سنگین ضدایرانی در آمریکا! تحصیل کرده اما براساس آنچه شنیده و خوانده همیشه در آرزوی بازگشت به وطن و دیدار خانه اجدادی بوده. یادداشت‌هایی که می‌خوانید روایت اوست از سفرش به ایران و آنچه به چشم می‌بیند...**

■■■

من به منزل عموجان رسیدم. خانه‌ای قدیمی در محله‌ای اصیل با کوچه‌باغ‌هایی پیچ‌درپیچ که البته از هجوم برج‌سازی درامان نمانده. عجیب‌ترین چیزی که در پایتخت میهن محبوبم به چشم می‌خورد، بی‌نظمی در ساخت‌وساز و بی‌قوارگی شهر است. واقعا متعجب می‌شوم که چطور اجازه می‌دهند در انتهای یک کوچه باریک، یک برج بلند بنا شود. تمام کوچه‌پس کوچه‌ها هم پر از ماشین است و دو طرف خیابان‌های اصلی، ماشین‌ها دوبله‌سوبله پارک کرده‌اند. ولی خب در هر صورت خاک پدری است و با تمام بی‌ریختی و بی‌نظمی دوستش دارم. نمی‌دانم از بخت بدم این توله‌شیرها از کجا پیدایشان شد که من هم بیخود و بی‌جهت درگیر یک بحران شدم. صحنه نبرد من با شیرها اینک مشابه یک مناقشه مهم سیاسی در رسانه‌های داخل و خارج تحلیل می‌شود. عموجان عصبانی است. با عصا و ربدوشامبر قدم می‌زند و غرغر می‌کند. درودیوار پر است از تصاویر و نقاشی‌های قدیمی و عتیقه‌جات. عکس‌هایی از مارکس و لنین با ضربدر بزرگ قرمز و به صورت وارونه روی دیوار خودنمایی می‌کند. فکر کنم از لج پدر و مادر مرحومم آنها را دیوارکوب کرده... آخه پسره خل‌وچل! اگه یه وقت ننه بابای این توله‌شیرها آمریکایی باشند، می‌دانی چه می‌شود؟ تا بیایی ثابت کنی خبری نیست و غرض مرضی در کار نبوده که بیچاره می‌شوی. اگر دستگیرت کنند چه؟ «گفتم: خب عمو جان می‌رویم حرف می‌زنیم و توضیح می‌دهیم. تازه من از حاضرین در محل شنیدم که پدر و مادر توله‌شیرها در بابلسر ساکن هستند. عموجان اما همچنان دل نگران و پریشان قدم می‌زند و گاهی هم به رایانه سرک می‌کشد...» پسره نادان. اوضاعی شده که سایت سردار سازندگی هم فیلتر می‌شود، تو عنصر چند مثقالی که این وسط عددی نیستی. اصلا همین سایت مثقال فقط قیمت ارز و طلا و سکه را چاپ! می‌کرد. سر در نمی‌آوردم از حرف‌های عموجان. سایت که چاپ نمی‌شود! راننده تاکسی هم در راه توی هر چاله‌ای که می‌افتاد یا پشت هر راه‌بندانی گیر می‌کرد، همین‌طور احوال همه را می‌پرسید. واقعا میهن من جای باحالی است. هنوز چند ساعت بیشتر نیست که اینجا هستم و در سنگین‌ترین معادلات سیاسی استاد شده‌ام. عموجان میخ شده است بر صفحه مانیتور. تصور کنید عصا و ربدوشامبر را در کنار موس و صفحه کلید. از اینجا مشخص است که سیاست چقدر واجب‌تر از چای قند پهلو است. عموجان ناگهان دست‌افشان و پای‌کوبان فریاد زد: «خدا رو صدهزار مرتبه شکر، خلاص شدیم. اخبار کاندیداها و احراز صلاحیت منتشر شده است. جالب است که ۴۰-۳۰ تا از نماینده‌های همین مجلس هم افتادن. حتی پسر استاد مطهری هم رد شده. همه خبرها رفته سمت مجلس و این حرف‌ها. بی‌خیال تو و توله‌شیرها شده‌اند. فکر کنم این بار جستی مثقالک!» نماینده‌های دور قبل کجا افتاده‌اند؟ صلاحیت چی هست حالا؟ من که نشسته‌ام چطور جستم؟ ...

ادامه دارد

برش از اخبار

با کنار رفتن دولت‌آبادی و موراکامی

نامزدهای نهایی بوکر آسیا معرفی شدند

■ **ایسنا:** هفت نامزد نهایی جایزه بوکر آسیا ۲۰۱۱ در حالی معرفی شدند که نام محمود دولت‌آبادی و هاروکی موراکامی در فهرست منتخبان دیده نمی‌شود. هیات داوران جایزه بوکر آسیا روز گذشته از میان ۹۰ اثر ارایه‌شده، هفت رمان برگزیده را برای راهیابی به مرحله نهایی انتخاب کردند. «باز سرگردان» نوشته جمیل احمد از پاکستان، «نوزایی» به قلم جهناوی باروئا، «تجمع پنهانی مردمی که اهمیت می‌دهند» نوشته راهول باتاچاریا، «رودخانه دود» اثر آمیتاو گش؛ نویسنده هندی، «رویای روستای دینگ» نوشته یان لینکه؛ رمان‌نویس چینی، «دریاچه» به قلم بنانا یوشیموتو از ژاپن و «لطفا از مادر مراقبت کن» اثری از کیونگ سوک شین؛ نویسنده کره‌جنوبی رمان‌هایی هستند که به مرحله نهایی بوکر آسیایی امسال راه یافته‌اند. به گزارش شینهوا، برنده این جایزه آسیایی ۱۵ مارس ۲۰۱۲ (۲۵ اسفند) در هنگ کنگ معرفی خواهد شد.

جناب آقای آرش سلطانعلی

درگذشت پدر گرامیتان را به شما و خانواده محترم‌تان تسلیت می‌گوییم. همچنین به‌این‌وسیله اعلام می‌شود مراسم ختم آن مرحوم شنبه ۲۴ دی از ساعت ۱۸:۳۰ تا ۲۰ در مسجد جامع شهرک غرب واقع در میدان صنعت بلوار فرحزادی برگزار می‌شود.

حمید جعفری و تورج صابری‌وند